

آموزه های اخلاقی خواب و رؤیا و تأثیر آن بر تحول شخصیت عرفا

دکتر منصور پیرانی

استادیار دانشگاه پیام نور قزوین

فاطمه عظیمی¹

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور قزوین

چکیده

هدف مقاله حاضر آن است تا نشان دهد اولاً خوابها و رؤیاهای چون از یک منبع اصیل و کهن تغذیه می‌شوند و از یک زمان اسطوره‌ای می‌آیند و از طرفی به دلیل داشتن صبغه روحانی و معنوی، با ارزش هستند، بنابر این بر خلاف تصور عوام، مهمل و بیهوده نیستند بلکه مشحون از ارزشها و آموزه‌های اخلاقی‌اند همچنین دارای کارکردها و تأثیراتی در زمینه های مختلف می‌باشند.

ثانیاً بسته به نوع خواب، مفهوم خوابها متفاوت است. اگر خواب از نوع اضغاث احلام باشد، عوامل مختلفی در ایجاد و شکل‌گیری آن سهیم‌اند، از جمله بازتابی از فعالیت‌های روزانه می‌تواند باشد که در این صورت تعبیری برای آن نباید قائل شد و اگر خواب از نوع رؤیای صادقه باشد حتماً تعبیر و تأویل دارد و هدف و منظوری از شکل‌گیری آن در پس پرده وجود دارد و حامل پیامی از طرف نیروهای ناخود آگاه و ملکوتی ما می‌باشد که لزوماً وظایفی را برای ما ایجاد می‌کند. همچنین در این مقاله نشان داده می‌شود که تحریف و تفسیر به رأی، خواب را از اصل خود و تأثیر به حق آن تغییر نمی‌دهد.

کلید واژه‌ها: خواب و رؤیا، خیال، وحی، مکاشفه، الهام، اسطوره،

1 - azi.azi1390@gmail.com

تاریخ پذیرش

90/4/12

تاریخ دریافت

90/1/17

مقدمه

از آنجا که نیروهای جسمانی و مادی بشر محدود است، بی شک ظرفیت او نیز برای پذیرش و تعلیم اسرار و رموز و مفاهیم والا در عالم بیداری محدود است؛ لذا خداوند متعال موهبت خواب را به بنده خود عطا فرمود تا به مصداق آیه شریفه: «إنا جعلنا نومکم سباتاً، علاوه بر ایجاد آرامش و آسایش و نشاط جسمی و روحی، بستری مناسب فراهم سازد تا بنده خاص خود را در عالم خواب و رؤیا که جهانی نامحدود و بی مرز است متحلی به زیور معارف و اسرار نماید. چرا که:

در دل شدگی به هوش نتوان بودن بی ناله و بی خروش نتوان بودن

از طرفی شخصیت انسان تحت نفوذ عوامل مختلف، از جمله خواب و رؤیا، دستخوش تغییر و تحولات بوده و هست خوابها و رؤیاهای او از ویژگی‌هایی برخوردارند که شاید از آن غافل باشند. یکی از این ویژگی‌ها عامل بودن خواب است با پیش فرض اینکه خوابها و رؤیاهای عامل تحول شخصیت می‌باشند. خوابها و رؤیاهای افرادی با گرایش‌های خاص معنوی و دینی [عرفا] در مفهوم متداول خود به کار نمی‌روند و همچنین محتویات خوابها و رؤیاهای بر خلاف تفکر عوام الناس مهمل و بیهوده نیستند، بلکه دارای کارکرد می‌باشند و از طرفی اگر بپذیریم که عرفان و گرایش‌های عرفانی با بهره جستن از عامل دین و روان در کیفیت و محتوای خوابهای انسان دخیل هستند با سؤالاتی مواجه هستیم از قبیل اینکه خوابها چگونه با رویکرد عرفانی و روانشناختی و نیز رهیافت اسطوره‌ای می‌توانند عامل تحول شخصیت انسان معرفی شوند؟

نگاه روانشناسانه به پدیده رؤیا، رؤیا را دارای منطق و قانون مند می‌داند و برای این قوانین و منطق حاکم بر رؤیاهای ارزش قائل است، ضمن اینکه برای رؤیا و خواب، یک نوع رهایی و آزادی از محدودیتها، نیز قائل است. این نگاه روانشناسانه به رؤیا، بعد از بیان علل روانی بروز رؤیاهای و تقسیم بندی‌های مختلف آنها، در نهایت سه نظریه قدیمی و مهم درباره را به این شرح مطرح و ما را ناگزیر از پذیرش یکی از این سه نظریه می‌نماید:

1- رؤیا مظهری از مطالب نامعقول و نامنتقی است. 2- رؤیا مظهری از مطالب منطقی است. 3- رؤیا مظهر ترکیبی از مطالب منطقی و غیر منطقی (دور از ذهن) است.

نگاه روانشناسانه با پیش کشیدن موضوع ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، و مطرح نمودن محتویات و مرکز این دو ضمیر، ضمن بحث درباره انرژی روانی یا «لیبیدو» و ارتباط آن با سیر قهقرایی در روان، به این نتیجه می‌رسد که انسان با رؤیا به این سیر و بازگشت دست می‌یابد و با اتصال به منبع خود و الهام از آن متحول می‌شود.

اما ادعای اسطوره در مورد رؤیا این است که زبان رؤیا نیز چون زبان اسطوره زبانی است نمادین و رمز آلود و این از آنجاست که رؤیا و اسطوره هر دو با ناخودآگاهی در پیوندند و از آن بر می‌آیند و مایه می‌گیرند. می‌توان بر آن بود که اسطوره، رؤیایی همگانی است. رؤیایی است پایدار که تبارها و تیره‌ها در درازنای زندگی خویش دیده اند و نیز می‌توان ادعا کرد که رؤیا اسطوره‌ای فردی است که یک شخص در رؤیای خود آفریده است. ناگفته پیداست به همان سان که رؤیا را می‌گذاریم تا رازهای آن را بگشاییم، اسطوره را نیز باید تعبیر کرد و رازهای آن را گشود. اساطیر و رؤیاها آنچه را در ذهن انسان می‌گذرد بیان می‌کنند. همان‌طور که افراد مختلف رؤیاهای مختلف می‌بینند ملت‌های گوناگون هم اساطیر گوناگون دارند. به هر حال برای درک و فهم رؤیاها و اسطوره‌ها به زبانی مشترک نیازمندیم. زبانی که در تمام طول تاریخ مفهوم یکسانی داشته باشد و برای نژاد انسان همگانی باشد و آن زبان، چیزی نیست جز زبان سمبولیک. بسته به اینکه رؤیاها و اسطوره‌ها از کدام نوع ناخودآگاهی بر آمده باشند، رؤیا می‌توانند شد یا اسطوره.

بنابراین نگرستن به پدیده خواب و رؤیا از دریچه عرفان و پرداختن به نکات اصولی عرفان از جمله کشف و شهود، واقعه، الهام و وحی و مفاهیمی از این قبیل، همچنین رویکرد روانشناسانه به خواب و نیز، رهیافت اساطیری خواب‌ها و رؤیاهاست که ما را در یافتن پاسخ پرسش مطرح شده در بالا و رسیدن به جایگاه و نقش خواب به عنوان عامل مؤثر بر تحول شخصیت‌ها، خصوصاً شخصیت عرفا و همچنین تفکیک و مرزبندی مفهومی بین نکات اصولی عرفان با رویکردهای دینی، روانشناختی و اسطوره‌ای یاری می‌نماید.

شناخت خواب و رؤیا و اقسام آن

خواب از نظر فیزیولوژیکی، حالتی است که در آن، ساختمان موجود زنده به تجدید حیات شیمیایی می‌پردازد و در حالی که حرکات، متوقف شده و درک حسی نیز تقریباً به

92 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

حالت خاموشی درآمده است انرژی کافی ذخیره می‌کند. دانشمندان گفته‌اند: خواب از بخارهای تر و معتدلی که پس از خوردن غذا از تن به سوی مغز متصاعد می‌شود به وجود می‌آید و این بخارها دو گونه سودمندی دارند: 1- اندام‌ها و حواس آرامش می‌یابند و استراحت می‌کنند. 2- موجب هضم غذا و نضج و پخته شدن اخلاط بدن می‌شوند. و معبران این خواب را «خواب طبیعی» می‌نامند.

برخی گفته‌اند که خواب، عملی از اعمال مغز است و از اندام‌های دیگر نیست و آن فعلی طبیعی است، زیرا که از قوای ماده مغز می‌باشد و قوه تخیل و قوه فکر و قوای دیگر مغز نیز در حال خواب در آرامش و استراحتند و این قوا، حرکت‌ها و فعالیت‌های روح نفسانی‌اند و محل آن‌ها مغز است و آسایش آن‌ها در حال خواب است تا روح نفسانی بیاساید.

مزاج خواب سرد و تر است. زیرا ماده آن از سردی و تری مغز پدید می‌آید و دلیل بر آن اینکه، وقتی گرمی و خشکی بر مغز کسی غلبه کند آسایش و استراحت ندارد و اگر سردی و تری بر آن چیره شود بسیار می‌خوابد و از خواب سیر نمی‌گردد. و اگر کسی بپرسد که از کجا دانستی که خواب، فعلی از افعال مغز است می‌گوییم: از آنجا که در خواب در قوه تخیل و قوه تفکر و عقل، ضعف و بی‌نظمی می‌یابیم و نیز خواب موجب آسایش قوای دماغی و مغزی است. بنابر این در می‌یابیم که خواب فعلی از افعال مغز است. در موقع خواب اعصاب یا روح دوباره شروع به فعالیت می‌کنند و چیزی را که به آن رؤیا می‌گوئیم پدید می‌آورند. به طور خلاصه به چیزهایی که انسان در خواب می‌بیند رؤیا می‌گوئیم. منظور از رؤیا آن است که معنی و مفهوم حقیقی ولی مخفی شده در ورای یک قیافه ظاهری را نشان دهد. مثل تعبیر یوسف از رؤیای فرعون در مورد هفت گاو لاغر و بلعیدن هفت گاو فربه و یا هفت شاخه ذرت. رؤیا کلمه‌ای است که ریشه عربی دارد و در لغت به معنی چیزی است که دیده می‌شود. کلمه مترادف رؤیا در انگلیسی (Dream) است.

رؤیا از دید روانشناختی، زبان ناخودآگاهی است. به یاری رؤیاست که نهفته‌های ناخودآگاه آشکار می‌شوند. از این روی است که رؤیا دروازه رازهاست؛ دروازه‌ای است بر جهان تو در تو و تاریک و رازناک جهان ناخودآگاهی. ما هر شب در خواب به گونه‌ای از این دروازه می‌گذریم تا به گشت و گذاری در جهان نهان، از هر گونه آن بپردازیم. رؤیا، آشنای دیرین ماست زیرا هر بار که سر بر بالین می‌نهمیم به سراغمان می‌آید با این‌همه

آگاهی‌هایی چندان هنوز هم درباره رؤیا نداریم و همچنان رؤیا پس از هزاران سال ناشناخته و رازآمیز مانده است. هنوز به روشنی نمی‌دانیم رؤیا چیست و به هنگام رؤیا چه بر ما می‌گذرد؟ اما دکتر «کزازی» در این باره می‌گوید «رؤیا آشناترین بیگانه یا بیگانه‌ترین آشنای ماست. شاید افسون رؤیا و اثر شگرف آن نیز به گونه‌ای از این بیگانگی آشنا یا آشنایی بیگانه مایه می‌گیرد.» (کزازی، 1388: 78). به هر روی رؤیا بسیار بر ما کارگر می‌افتد و تأثیراتی شگرف بر ما به جای می‌گذارد و تا جایی پیش می‌رود که حتی منجر به تحول و تغییرات در شخصیت و خلق و منش ما می‌گردد. پس می‌توان گفت رؤیا روند و کار و سازی است که از چنبر خواست و اراده و خودآگاهی ما بیرون است و رشته‌ای از نگاره‌ها و نمادهاست که از ذهن می‌گذرد و چه بسا عامل مؤثر نیز قرار می‌گیرد.

از دید اسطوره، رؤیا تکرار تاریخ، پدیده‌ها و طبیعت است. تکرار تاریخی باستانی و عتیق است که گذر زمان آن را به نماد تبدیل کرده و به همین دلیل است که رؤیاها نمادینند و نیاز به گزاردن و تعبیر دارند. از این دیدگاه، رؤیا، اسطوره‌ای فردی است و اسطوره، رؤیایی همگانی. اسطوره‌ها با رازوری خود به خواب‌ها معنا می‌بخشند و همچون آتش زیر خاکستر در اعماق و لایه‌های زیرین شخصیت انسان قرار دارند و در خواب و رؤیاهای ما جلوه‌گری می‌کنند. اسطوره به خواب معنا می‌بخشد زیرا یک منبع اصیل و باستانی است. منبعی که آیین‌ها، زندگی‌های فردی و جمعی، تمدن‌ها و همه جلوه‌های طبیعت را بارها زیسته و تجربه کرده است.

در صورت دسترسی و فهم درست رموز خواب‌های اسطوره‌ای و یافتن ارتباط درست آن رموز با زندگی و شخصیت خود می‌توان نگرش و مسیر زندگی را به سمت یک تمامیت و کمال مطلوب (که هدف غایی آفرینش انسان است) هدایت نمود و به معرفت دست یافت. در فرهنگ ادیان مختلف از هزاران سال پیش و در فرهنگ اسلامی نیز از همان آغاز ظهور اسلام و نزول کتاب آسمانی قرآن، رؤیا و حقیقت داشتن مفهوم و معنای آن مورد توجه بوده و در قرآن کریم که ریشه همه معارف اسلامی است به آن بها داده شده و نمونه‌هایی از خواب‌ها و خواب‌گزاری‌ها ذکر گردیده است. در قرآن کریم هفت بار واژه رؤیا و تعدادی نیز واژه‌هایی از ریشه رؤیت، مثل «أری» و «أریناک» و «رأیت» که در رابطه با

94 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

خواب و رؤیاست آمده است و در پنج سوره انفال، یوسف، اسراء، صافات و فتح از خواب دیدن‌های مختلف سخن گفته شده است.

1- در سوره «انفال»، در رؤیای پیامبر اسلام «ص» (قبل از جنگ بدر) می‌فرماید: «إذ یریکهم الله فی منامک قليلاً و لو أراکهم کثیراً لفشلتهم» آنگاه که خداوند آنان را در خوابت به تو کم و اندک نشان داد و اگر نفرات آنان را به تو بسیار می‌نمود در جنگ و مبارزه سست می‌شدید. (انفال، آیه 43)

2- در سوره «یوسف» خوابی که حضرت یوسف در کودکی مشاهده کرد و نیز خواب آن دو زندانی که همراه حضرت یوسف در زندان بودند و خواب پادشاه مصر که حضرت یوسف با تعبیر درست آن از زندان نجات یافت و عزیز مصر شد، آمده است.

3- در سوره «اسراء» به رؤیای پیامبر اسلام (ص) اشاره شده است که آن بزرگوار در خواب دیده بود که بوزینه‌هایی بر منبر او می‌جهند و خدا می‌فرماید: «آن رؤیای تو را که به تو نمودیم فتنه‌ای برای مردم قرار داده‌ایم» (اسراء/60) و در تفاسیر گفته‌اند که تعبیر آن به حکومت رسیدن غاصبان و بنی امیه و مسلط شدن آنان بر امت اسلام بوده است.

4- در سوره «صافات» از رؤیای حضرت ابراهیم خبر می‌دهد که: در خواب دید فرزند عزیز خود اسماعیل را ذبح می‌کند و آن را به فرزند خود گفت، و چون رؤیای انبیاء همانند وحی است حضرت ابراهیم و اسماعیل آن را فرمان خدا دانسته و آماده انجام فرمان شدند و خداوند گوسفندی را فدیه اسماعیل ساخت و از فرمان‌پذیری آن دو تقدیر کرد و فرمود: «...یا ابراهیم قد صدقت الرؤیا...» (ای ابراهیم رؤیایت را تصدیق کردی و به وظیفه ات عمل نمودی...) (آیه 104).

5- در سوره «فتح» به رؤیای پیامبر اسلام (ص) اشاره شده است که: آن گرامی در خواب دید که همراه مسلمانان با امنیت و آسایش به مسجدالحرام وارد شدند و فریضه حج به جا آوردند و سرتراشیدند و مدتی بعد با فتح مکه این رؤیا به حقیقت پیوست. «لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلنَّ المسجد الحرام انشاءالله آمنین محلّقین رؤسکم و مقصرین لا تخافون» (...به راستی خداوند رؤیای پیامبرش را به حقیقت پیوست که به خواست خدا با امنیت و سر تراشیده و تقصیر کرده بی هیچ ترس و بیمی به مسجد الحرام وارد می‌شوید...) (آیه 26). (تفلیسی، 1382: 7-5).

اقسام خواب

از نظر استادان فن تعبیر خواب، خواب انواع و اقسامی دارد، «دانیال» می گوید: « خواب در اصل دو گونه است: یکی آنکه از حقیقت امور آگاه می سازد و دوم آنکه پایان و سرانجام امور را آشکار می سازد. (همان، 47-49) .

امام صادق (ع) که در علم تعبیر خواب متبحر بودند در مورد انواع خواب می فرماید. «خواب بر سه قسم است: 1- محکم 2 - متشابه 3- اضغاث احلام»

محمدبن سیرین یکی دیگر از استادان فن تعبیر خواب می گوید: خواب بر دو قسم است: 1- خواب محکم که خواب درست و راست است. 2- اضغاث احلام یا خواب های مختلف، و به عربی دسته گیاه را اضغاث گویند، زیرا که از هر نوع گیاه تر و خشک و سبز و زرد و سرخ و... در آن هست .

کرمانی از معتبرین خواب، نیز خواب را بر سه قسم می داند: اول بشارت از خدای متعال، دوم خوابی که از وسوسه شیطان است و سوم خوابی که آدمی در ذهن خود به چیزی بیندیشد و از هوس آنرا در خواب ببیند .

هشام بن عروه از پدر خود روایت کرده که در تفسیر آیه «لهم البشری فی الحیوه الدنیا» (برای آنان بشارت و مژده است در زندگی دنیا) گفت: منظور از این بشارت، خواب و رؤیای افراد صالح است. خواب حضرت یوسف نیز از انواع خواب های مبشر بود که ملک الرؤیا، از لوح محفوظ، سرنوشت او را به او نشان داد. همچو یوسف کو بدید اول به خواب / که سجودش کرد ماه و آفتاب (مثنوی، 4/ 3398).

و پژوهنده ای به نام بنوا پریه رؤیا را بر سه گونه بخش کرده است: الف- رؤیاهایی که ریشه طبیعی دارند. ب- رؤیاهایی که ریشه انسانی دارند. ج- رؤیاهایی که ریشه ملکوتی دارند.

اما هم اندیشه با صوفیان کهن می توان رؤیاها را از دید خاستگاه و چگونگی پدید آمدن آنها و پیوندشان با روح و نفس به سه گونه بنیادین بخش کرد:

1- خواب های پریشان: (اضغاث احلام)، این گونه از رؤیاها یکسره از نیازهای تنی و نفسانی یا انگیزه های بیرونی بر می آیند. این گونه رؤیا را یونگ « کارکرد جبران» می نامد، زیرا روان به یاری این گونه از رؤیا، تهیگی های روانی را پر می کند. آنچه آدمی در بیداری

نتوانسته بدان دست یابد، در رؤیا به شیوه‌ای نمادین یا آشکار بدو داده می‌شود تا به گره‌های روانی در نهاد آدمی نینجامد. این گونه از رؤیا را برای شناخت گره‌های روانی در بیماران و درمان آن‌ها به کار می‌برند و ارزش تعبیر و رازگشایی ندارد. عزالدین محمود کاشانی این گونه رؤیا را « خیال مجرد » نامیده است.

2- خواب‌های کمابیش راست: این گونه از رؤیا محصول مشترک نفس و روح است. بخشی از رؤیا که برآورده و انگیخته، روح است، راست است و بخشی از آن که پرورده نفس است دروغ و پریشان. در این گونه از رؤیا چون نفس که نهاد را تیره می‌نماید در روند کار روح تباهی می‌کند لذا روح هنوز بدان پایه از پاکی و پالودگی نرسیده است که بتواند یافته‌های خود را بی‌پرده در رؤیا آشکار کند. بنابراین یافته‌های روح به شیوه‌ای نمادین و رمزی در ذهن خفته پدیدار می‌گردد. گشودن راز این نمادها نیاز به زیرکی و تیز بینی خواب‌گزارانه دارد که بتواند بخش روحانی را از بخش نفسانی جدا نماید. این قسم خواب را عزالدین محمود کاشانی « کشف مخیل » نامیده است.

3- خواب راست: برترین گونه رؤیاست. در فرهنگ‌های باستان بر آن بوده‌اند که خدایان این خواب را در دل پاره‌ای از کسان که به نهان بینی می‌توانسته‌اند آینده را پیش‌گویند و از رازها آگاه گردند، در می‌افکنده‌اند. رؤیای راست در اسلام نیز پاره‌ای از چهل و شش پاره پیمبری شمرده شده است. « مستملی بخاری، خواب راست را اصلی متفق بین همه ملت‌ها می‌داند و خواب حضرت یوسف و خواب آن دو مرد در زندان با یوسف، و خواب ملک مصر و خواب ابراهیم خلیل و نیز خواب پیامبر اکرم (ص) در مورد فتح مکه را دلیل صحت این گونه رؤیا می‌آورد ». (کزازی، 1388: 97-89).

علل بروز رؤیا

انسان در حالت بیداری از وجود امیال و آرزوهایی که در ضمیر ناخودآگاه او مخفی و بنا به دلایلی سانسور و سرکوب شده‌اند آگاهی ندارد، سرکوبی و واپس زدن این امیال و آرزوها هرگز باعث نمی‌شود که موجودیت آن‌ها از بین برود بلکه در ضمیر نا آگاه انسان فعال هستند و سعی می‌کنند به اشکال مختلف و متنوع دیگری آشکار شوند، اما این ظهور باید به نحوی صورت بگیرد که انسان همچنان نسبت به ماهیت اصلی امیال خود ناآگاه بماند و

متوجه نشود که خواسته های نامنتقی او به طور دزدانه وارد میدان شده اند. این در حالی است که انسان تصور می کند آن امیال و آرزوهای نامعقول از بین رفته اند و دیگر وجود خارجی ندارند و حتی فکر اینکه چنین آرزوهایی هنوز در درون او زنده باشند او را دچار وحشت می کند. به همین دلیل است که امیال مذکور مجبور به تغییر شکل و قیافه شده و به شکلی ظاهر می شوند که تفکر آگاه انسان از شناختن ماهیت حقیقی آنها عاجز است. یونگ، روانشناس بزرگ سوئیسی می گوید: « رؤیاها، واکنش هایی ناخودآگاهند که نهاد آدمی برای جبران زیان ها و گزندهایی که بدان رسانیده می توانند شد، از خود نشان می دهد. به عبارت دیگر، ناخودآگاهی به یاری رؤیا شکاف ها و خلأهای ناشی از کوبش های عصبی، انگیزش های شوریده که سرانجام فرو فسرده اند، آرزوهایی تب آلوده که برآورده نشده اند و هر چه از این دست را پر می کند» (همان، 85).

اریک فروم رؤیا را ناشی از فعالیت های روانی انسان در هنگام خواب می داند و «فروید» رؤیا را نماینده و تظاهراتی از قسمت های نامعقول و معقول شخصیت انسان می داند. فیلسوف و طبیب یهودی، توماس آکوئیناس درباره علت بروز رؤیا می نویسد: علت رؤیا گاه در درون وجود خود ما و گاه در خارج از وجود ما قرار دارد.

اما بروز رؤیا یا تحت تأثیر عوامل داخلی و یا تحت تأثیر عوامل خارجی است. عوامل داخلی بروز رؤیا بر دو دسته اند: یک دسته مربوط به روان ماست؛ یعنی آنچه در هنگام بیداری، افکار و عواطف شخص را تحت تأثیر قرار می دهد در هنگام خواب هم وارد تخیلات او می شود، در این حال نمی توان رؤیا را علتی برای وقوع حوادث آینده به شمار آورد. دسته دوم از علل داخلی بروز رؤیا، جسم ماست. چون وضع درونی بدن باعث پیدایش تحرکی در قسمت های مخصوص «خیال» می گردد (مثلاً کسی که دارای مقدار زیادی اخلاط سرد باشد در رؤیا خود را شاید در آب یا برف ملاحظه کند) به همین دلیل، اطبا می گویند برای کشف حالات و وضع درونی خود باید به رؤیاهایمان توجه بیشتری داشته باشیم.

علل خارجی بروز رؤیا هم بر دو دسته اند:

علت مادی: وقتی است که تخیل شخص در هنگام خواب، تحت تأثیر هوای محیط و یا بدنی زیبا قرار گیرد و اشباح و صور متناسب با این بدن های زیبا در نظر او مجسم شوند.

علت روحانی و معنوی: گاهی به خداوند مربوط می‌شود که بعضی مطالب را در هنگام خواب به وسیله فرشتگان خود، به اطلاع افراد می‌رساند.

عرفا در مبحث نفس، به رؤیا و علت بروز آن توجه کرده اند. عرفان، با پیش کشیدن موضوع روح و با بیان شواهدی از قرآن، ضمن بیان معانی مختلف روح و خصوصیات آن، در نهایت علت بروز رؤیا را، تجارب حاصل از سیر و سفر روح می‌داند. از آنجا که روح دارای خصوصیتی از جمله تحوّل و فعالیت می‌باشد و از طرفی مدرک و به قول مولانا دارای نور بصیرت است، لذا می‌تواند هم تصویری از یادگارها و بقایای گذشته به دست دهد و هم در همان تصویر، آینده را ابراز نماید. (فروم، 1362: 127). بنابراین در حوزه عرفان، رؤیا از تجلیات روح و در نتیجه سیر و سفر و فعالیت روح ایجاد می‌شود. روح در موقع خواب از جسم جدا می‌شود و چیزهایی را تجربه می‌کند که به آن رؤیا می‌گوییم. در هنگام خواب، روح جسم را ترک کرده و در خارج از بعد مکان به گشت و گذار می‌پردازد و با جن و پری و شیطان و دیگر روح‌ها ارتباط برقرار می‌کند و بدین ترتیب رؤیاها به وجود می‌آیند. (فانار کیتاچی، 1388: 34). به همین دلیل رؤیا یک امر روحی و معنوی می‌باشد و اگر از نوع مبشرات یا رؤیای صادقه باشد، الهام و اشراق است.

اما در قلمرو اسطوره، روح علاوه بر صفات یاد شده، دارای استعداد نیز می‌باشد. صور و اشکال و الگوهای اولیه یا به قول «یونگ»، کهن الگوهایی که در محتویات ناخودآگاه جمعی ما هستند و در اعماق و لایه‌های بسیار عمیق ناخودآگاه انسان ریشه دارند، ناشی از استعدادات روح بشرند که ماهیت دسته جمعی دارند. مثلاً میل به پرستش که فطری و ذاتی روان انسان است و اکتسابی نیست و از احساس تعلق انسان به طبیعت ناشی می‌شود، یک استعداد و قابلیت روحی است. به یاری این استعداد و قابلیت روح است که انسان مدرن و ماشینی عصر امروز، می‌تواند همچنان اتصال و پیوند روحی خود را با طبیعت حفظ کند و گرایش فطری خود را در خود زنده و پویا نگه دارد. پس در این حوزه (اسطوره) بروز رؤیا ناشی از حفظ پیوند ذاتی و روانی انسان با طبیعت و نیروهای موجود در آن است که به اشکال و صور مختلف به نام کهن الگوها یا مدل‌های اولیه و به صورت نماد یا سمبل بروز می‌کنند. اگر دنیا از طریق پدیده‌های خود با انسان سخن می‌گوید، انسان هم با رؤیاهای خود و تعبیر سمبل‌های آن، به دنیا و طبیعت پاسخ می‌دهد. (الیاده، 1362: 147-145) به

عبارت روشن تر بروز رؤیا از نگاه اسطوره‌ای ناشی از نمادینه یا سمبلیک شدن کهن الگوهای است که از ناخودآگاه جمعی یا تباری روان انسان برآمده اند. انسان می‌تواند با نور بصیرت و دانش خود حقایق عالم رؤیا و پیام‌های رؤیاهای اسطوره‌ای خود را دریابد.

خصوصیات رؤیا

- 1 - رؤیاها از قوانین منطقی هنگام بیداری پیروی نمی‌کنند و زمان و مکان در رؤیا نادیده گرفته می‌شوند. در رؤیاهای خود دنیایی می‌سازیم که در آن عوامل محدود کننده جسم ما یعنی زمان و مکان، قدرت خود را از دست داده اند.
- 2 - نکته عجیب دیگر درباره فکر کردن ما به وقایع و یا اشخاصی است که سال‌ها از صحنه فکرممان دور بوده‌اند و در هنگام بیداری هرگز قادر به یادآوری‌شان نبوده‌ایم و در خواب ناگهان این‌ها را به شکلی آشنا می‌بینیم؛ گویی که بارها درباره‌شان اندیشیده بوده‌ایم. مخزن عظیم تجربیات و خاطرات که در روز از وجود آن بی‌اطلاعیم، به نظر می‌رسد که در هنگام خواب برای استفاده ما باز شده باشد.
- 3 - دیگر خصوصیت رؤیا این است که با اسطوره شباهت دارد. اسطوره‌ها هم از عالم تفکر معمولی ما جدا و با آن غریبه هستند.
- 4 - رؤیاها مانند اسطوره‌ها به زبان سمبلیک نیاز دارند تا فهمیده شوند. زبان سمبلیک، زبانی است که تجربیات درونی و احساسات و افکار را به شکل پدیده‌های حسی و وقایعی در دنیای خارج بیان می‌کند و منطبق آن با منطبق معمول و روزمره ما فرق دارد. این زبان تنها زبان بین المللی و همگانی نژاد انسان است و برای همه نژادها و فرهنگ‌های گوناگون در طول تاریخ مفهوم یکسانی دارد. (فروم، 1362 : 7) .

رؤیا و ارتباط آن با وحی و الهام

از آنجا که رؤیا اگر از نوع صادقه یا مبشّر باشد، نوعی وحی است و وحی یکی از انواع مکاشفه است، لذا رؤیا طبیعتاً با پدیده‌های دیگر از جمله الهام، واقعه و خیال ارتباط پیدا می‌کند. باید گفت این پدیده‌ها از نظر جوهر و معنا تفاوتی با هم نداشته و در واقع هریک اعم از دیگری است؛ مثلاً وحی از نوع الهام است و هردو از انواع مکاشفه‌اند که بدون نیاز به

تعلیم و یادگیری و بی‌سعی و تلاش در قلب می‌جوشند و به صورت دمیدن فرشتگان در قلب به هم می‌رسند و هر دو معرفت‌زا می‌باشند و در هر دو انتقالی از ماده به ماوراء طبیعت صورت می‌گیرد. اما این پدیده‌ها در مقام مقایسه، با یکدیگر تفاوت‌هایی صوری دارند از جمله اینکه الهام و وحی از نظر دوام یکی الهام و عدم دوام دیگری (وحی) و نیز از نظر اینکه معرفت حاصل از وحی، به « علم نبوی » و معرفت حاصل از الهام به علم لدنی منجر می‌شود و اینکه الهام برای اولیاء خدا و وحی منحصر به رسولان خداست و نیز اینکه همه این پدیده‌ها در عالم خیال یا رؤیا صورت می‌گیرند اما واقعه علاوه بر رؤیا در بیداری نیز اتفاق می‌افتد با هم تفاوت دارند. در این میان، عنصر « خیال »، عالم و برزخی است بین معقولات و محسوسات که امور معقول و معانی را متجسد و متمثل می‌نماید تا حسی شده و ادراک گردند. مثلاً وقتی وحی شروع می‌شود، معانی به کمک عالم خیال در عالم خارج به صورت فرشته یا شخصی که با حس درک می‌شود متمثل می‌گردد. سپس این فرشته یا ملک حدیث پروردگار را به سمع پیامبر می‌رساند و این وحی است. باید اضافه کرد الهام نیز در مقایسه با وحی، ضعیف و در مقایسه با رؤیا قوی است.

نظر اسلام و عرفای بزرگ درباره‌ی رؤیا

داستان حضرت یوسف در قرآن کریم محسوس‌ترین دلیل برای روشن شدن دید اسلام درباره‌ی مسئله رؤیا است. بدون شک نظر پیامبر اسلام (ص) نیز درباره‌ی رؤیا، از دیدگاه قرآن خواهد بود و این چنین هم می‌باشد. از نظر اسلام تمام رؤیاها همسان نیستند؛ یک قسمت از رؤیاها که ویژگی به خصوصی دارند رؤیاهای رحمانی و واقعی هستند و بقیه که قسمت اعظم رؤیاها هستند رؤیاهای شیطانی و رؤیاهای بی‌معنی‌اند. پیامبر فرمودند: پس از درگذشت من وحی منقطع می‌شود ولی « مبشرات » منقطع نمی‌گردند. عرض کردند: مبشرات چیست؟ فرمودند: « الرؤیا الصالحة یراها المرء الصالح او یراها له » یعنی خواب صحیح و درست که مرد درستکار می‌بیند یا دیگری برای او می‌بیند. (تفلیسی، 1382: 41).

امام قشیری خواب را نوعی از انواع کرامت می‌داند و تمایز قائل است بین خواب افراد غافل و عرفا. ایشان خواب خداوندان مجاهده را صدقه‌ای می‌داند از خدای تعالی بر ایشان و معتقد است که خدای تعالی مباحثات می‌کند با فرشتگان به بنده‌ای که در سجود بخسبد،

آموزه های اخلاقی خواب و رؤیا و تأثیر آن بر تحول شخصیت عرفا 101

گوید بنگرید به بنده من که جان وی به محل راز گفتن است و تن وی بر بساط عبادت گسترده است. (قشیری، 1385: 701).

و در جایی دیگر می گوید: «در خواب معنی هاست که اندر بیداری نیست. یکی آنکه پیغامبر (ص) را به خواب بینند و به بیداری نبینند و یاران و سلف صالح و [خدای تعالی به خواب بینند و به بیداری نه] و این فضلی بزرگ است. (همان، 704).

امام قشیری در باب پنجاه و چهارم رساله قشیریه برای عرفا بشارت‌هایی قائل است که بخشی از این بشارت‌ها در عالم رؤیا و خواب صورت می‌گیرد. ایشان فرموده اند: «قال الله تعالی: لهم البشری فی الحیاه الدنیا و فی الآخره» گفته اند که [این بشری] خوابی نیکو است که مرد می‌بیند یا برای او بینند. (همان، 696). نمونه این گونه مبشرات خوابی بود که بزرگی درباره «بشر حافی» دید و به تحول شخصیت «بشر» منجر شد.

اما نظر مولانا در مورد رؤیا، به وضوح در لابلای ابیات مثنوی آشکار است و در بیت:

بس عجب در خواب روشن می‌شود دل درون خواب روزن می‌شود

(مثنوی، 2235/2)

نشان می‌دهد که همه رؤیاها را از یک قبیل نمی‌شمارد و به رؤیاهای مبشر عقیده دارد.

مولانا رؤیا را به دو دسته تقسیم می‌کند:

1- اضغاث احلام (خواب‌های پریشان) 2- رؤیای صادقه که خود بر سه نوع است:

نخست رؤیاهایی که هر چه در خواب دیده شود همان بی هیچ کاستی و فزونی در بیداری تحقق یابد و نیازی به تأویل نداشته باشد، این گونه رؤیاها مستقیماً از بارگاه الهی پدید آمده اند. دوم، رؤیاهایی که قسمتی از آن نیازمند تأویل است و قسمتی از آن نیاز به تأویل ندارد و عیناً در بیداری نمایان می‌شود و سوم خوابی که تماماً محتاج تأویل باشد. دو قسمت اخیر به واسطه فرشتگان پدید می‌آید.

مولانا در بیت:

خواب می‌بینم ولی در خواب نه مدعی هستم ولی کذاب نه (همان، 4066/6)

نشان می‌دهد که پاره ای از خواب‌ها مبشر و بر حقیقتی استوارند.

102 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

و در جایی دیگر می‌گوید اگر رؤیاهای ما -آن گونه که فلاسفه عصر روشنگری هم می‌گویند- بازتابی از اعمال و افکار روزانه ما باشد پس دیگر معنا ندارد که برای تعبیر آن به دنبال معبرین خواب برویم.

در پی تعبیر آن تو عمرها می‌دوی سوی شهبان با ده
که بگو آن خواب را تعبیر چیست؟ فرع گفتن این چنین سر را سگی است.
(همان، 4 / 3065-3066)

و می‌فرماید: رؤیا را بازتاب بیداری دانستن ناشی از بی‌مایگی و بی‌پایگی است.
خواب عام است این و خود خواب خواص

باشد اصل اجتناب و اختصاص

(همان، 4 / 3067)

مولانا می‌گوید: این خواب عوام الناس است، یعنی خوابی که پریشان و از نوع اضطراب احلام است و بازتاب فعالیت‌های حواس در بیداری است و به افراد معمولی تعلق دارد و فاقد تعبیر است اما خواب خواص بر این مبنا استوار است که صاحبان این رؤیاها از سوی خداوند برگزیده شده‌اند و به رحمت و موهبت او اختصاص دارند. خلاصه کلام اینکه خواب افراد مقرب تماماً مبشر و مخبر عوالم دنیایی و ملکوتی است.

پس، از دید مولانا عالم رؤیا (رؤیاهای صادق) برای عارف، عالم ملکوت است که ملک سلطنت عارف می‌باشد.

اولیا را خواب، ملک است ای فلان

همچو آن اصحاب کهف اندر جهان

(همان، 3553)

چشم من خفته دلم بیدار دان

شکل بی کار مرا بر کار دان

گفت پیغمبر که عینای تنام

لا ینام قلبی عن رب الانام

چشم تو بیدار و دل خفته به خواب

چشم من خفته دلم در فتح باب

(همان، 2 / 3548 - 3550)

عارف بزرگ، عطار نیشابوری، رؤیا را یکی از مضامین شعری همه منظومه‌های خود از جمله الهی نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه و منطق الطیر قرار داده و در میان حکایت‌ها برای بیان مسائل مختلف اخلاقی، عرفانی و دینی از خواب و رؤیا استفاده کرده و در آخر، رؤیا را

وسيلة بیدار دلی عرفا می‌داند. عطار در دنباله داستان طوطی که چون از خود مرد، از قفس رهایی یافت، و انسان نیز وقتی از خود بمیرد زنده جاوید خواهد شد، تمثیلی از جهان خواب و انقطاع حواس آدمی به میان می‌آورد و می‌گوید: خواب نوعی دور شدن از خویش است حال اگر در بیداری بتوانی از خود دور شوی چون به خواب رفتی در بیخودی نور خواهی شد و دلت بیداری خواهد یافت. (عطار، 1388: 44).

عطار در منطق الطیر هر که را بیدار ذکر است (حتی در عالم خواب) می‌ستاید و او را قرین سلطان می‌داند و هر که را خفته غفلت باشد، قرین شیطان می‌داند. (عطار، 1383: 125).

او در مصیبت نامه از قول قشیری می‌گوید که هر کس بخواهد از حالات و مقامات بایزید و رازهایی که بین او و خدایش وجود دارد آگاه شود به رؤیاهای او که در معنی درست تر از بیداری است بنگرد. (عطار، 1386: 47).

شیخ شهاب الدین سهروردی در عوارف المعارف گوید: «...و باید دانست که هر دل که صافی باشد از محبت دنیا و جاه و مال، در خواب مقابل لوح محفوظ شود و از عجایب و غرایب آن باخبر شود و از سالکان، طایفه‌ای باشند که ایشان را در خواب مکالمه و محدثه باشد با حق تعالی و او را آگاه کند از مغیبات و کارها بدو فرماید و او را از منهیات باز دارد. (سهروردی، 1374: 149).

نجم الدین رازی نیز درباره خواب این گونه می‌گوید: « خواب آن است که حواس به کلی از کار بیفتاده و خیال بر کار آمده در غلبت خواب چیزی در نظر آید. » (رازی، 1376: 41) او خواب‌های نیک را رؤیای صالحه می‌داند و می‌گوید: « مطابق با شأن و منزلت هر سالک، حقایقی از عالم ملکوت بر او آشکار می‌شود. گاه این انکشاف در خواب به او دست می‌دهد و به صورت رؤیاهای صادقه بر او معلوم می‌گردد و گاه میان خواب و بیداری و یا صرفاً در بیداری حقایقی بر او مکشوف می‌آید که آن را اصطلاحاً واقعه گویند ». (همان، 290-289). با این تفاوت که در رؤیا حقایق به صورت صور خیالی نمودار می‌گردند اما در واقعه حقایق از حالت صورت‌های خیالی بدر آمده و به تجرید محض می‌رسند.

امام محمد غزالی نگاهی کلی به پدیده خواب و رؤیا دارد و می‌گوید که خواب و بیداری فقط از این جهت تفاوت دارند که حواس آدمی در حال خواب از کار می‌افتد و رابطه‌اش با محسوسات قطع می‌گردد. او حالت بی خویشی را در عالم بیداری نیز ممکن می‌داند.

ابن عربی در کتاب الیواقیت و الجواهر مبشرات یا رؤیای صادق را بعد از انقطاع وحی تنها وسیله انس اولیا با رایحه وحی می‌داند و این حکایت از آن دارد که اولیا در مقام انبیاء نیستند و برای آگاهی از وحی الهی نیازمند ایشانند. (فعالی، 1387: 549).

مستملی بخاری در مورد خواب (خواب راست) می‌گوید که اما حدیث خواب اصلی است متفق علیه میان همه ملت‌ها، و ادیان متفق اند بر قبول خواب را و دلیل بر صحت این خواب یوسف (ع) که گفت: «إني رأيت احد عشر كوكبا» و خواب آن دو مرد که اندر زندان با یوسف گفتند و خواب ملک مصر و خواب ابراهیم خلیل (ص) که گفت فرزند را «إني أرى في المنام إني أذبحك» و نیز خواب مصطفی (ص) فتح مکه را. نیز مصطفی فرمود: «الرؤيا الصالحة عاجل بشرى المؤمن» و نیز فرمود: «الرؤيا الصالحة جزء من ستة و اربعين جزء من النبوه» و بسیار پیغمبران (ع) وحی ایشان در خواب بوده است. (کزازی، 1388: 97).

همچنین عارف بزرگ عزالدین محمود کاشانی در مورد خواب می‌گوید: خواب‌هایی که نفس در ایجاد آن‌ها به کار است و روح یا دل در پدید آمدن‌شان کمترین دخالتی ندارند خیال مجرد هستند و می‌گویند: این گونه خواب‌ها را اعتباری نکنند و خیال باطل خوانند. این معنی اگر در خواب افتد آن را اضغاث احلام و اگر در واقعه افتد واقعه کاذبه گویند. در این گونه خواب‌ها صدق اصلاً راه ندارد. ایشان خواب‌های کمابیش راست را کشف مخیل نامیده می‌گویند: آن چنان است که روح انسانی در خواب یا در واقعه بعضی از امور غیبی را دریابد و نفس به جهت تعلق به آن با وی در آن، ادراک و مشارکت و مداخلت نماید و به قوت متخیله آن را از خزانه خیال صورتی حسی بخشد و در آن کسوت آن را مشاهده کند. و خواب راست را کشف مجرد می‌خواند و درباره آن می‌گوید: آن چنان است که کسی به دیده روح مجرد از خیال صورت حالی را در خواب یا در واقعه می‌بیند که هنوز در حجاب غیب است و بعد همچنان که دیده باشد به تمامی در عالم شهادت واقع شود یا از حجاب غیب به عالم شهادت آمده باشد. (همان، 98-95).

نمونه‌هایی چند از آموزه‌های اخلاقی خواب و رؤیا

انسان در عالم رؤیا انگار همیشه در حال کاویدن، جستجو و یادگیری است. بسیاری از علوم و دانش‌ها، مهارت‌ها، (مثل مهارت اسکی کردن)، اختراعات علمی، (اختراع چرخ خیاطی)، پاسخ پرسش‌های مشکل علمی و حتی در زمینه ادبیات، نوشتن رمان‌های بزرگ و

معروف و بسیار چیزهای دیگر که ما از آنها بی خبریم، همه و همه در عالم رؤیا و به صورت الهام و یادگیری صورت گرفته‌اند. رؤیا گاه آن چنان غنی، پربار و کارا است که با قدرت هر چه تمامتر حتی به نیاز روحی انسان تشنه معرفت، پاسخ کافی و وافی می‌دهد و با تعلیم آموزه های اخلاقی خود به بشر، همچون مکتب انسان سازی، قادر است انسانی از نو، با بینش و منشی نو بیافریند. در تذکره‌ها و شرح احوال عرفای بزرگ، به نمونه‌های متعددی از رؤیاها و آموزه‌های اخلاقی نهفته در رؤیای این بزرگان بر می‌خوریم.

دعوت به جهان بینی توحیدی: کتانی گوید: پیغامبر (ص) را به خواب دیدم گفتم چه دعا کنم تا دل من نمیرد گفت: هر روز چهل بار بگویی: یا حیّ یا قیوم یا لا اله الا انت. حسن بن علی (سلام الله علیهما)، عیسی (ع) را به خواب دید. وی را گفت: اگر انگشتری کنم نقش نگین وی چه کنم؟ گفت: لا اله الا الله ملک الحق المبین که این آخر انجیل است. (جامی، بی تا: 705).

دعوت به جهاد اکبر: ابویزید گوید: حق سبحانه و تعالی را به خواب دیدم گفتم خدا یا راه چگونه است به تو؟ گفت نفس دست بدار و بیا. (همان، 706).

توصیه به رفع منیت و انانیت: ابوموسی شاگرد بایزید بسطامی گوید که بایزید گفت: الله تعالی را در خواب دیدم، گفتم راه به تو چون است؟ گفت: از خود گذشتی، رسیدی. (همان، 57).

دعوت به همنشینی با فقرا: ابو اسمعیل عبدالله بن منصور محمد الانصاری الهروی، ملقب به شیخ الاسلام گفت که عبدالله نبادانی (رحمه الله) گفته که مصطفی (ص) را به خواب دیدم گفتم یا رسول الله با کدام قوم نشینم؟ گفت با آن قوم که به مهمانی شوند یعنی درویشان نه با آن قوم که مهمانی کنند یعنی توانگران. (همان، 209).

توصیه به توبه و خدمت به فقرا: ممشاد دینوری گوید: نیم‌خواب بودم در مسجد فرا من نمودند که خواهی دوستی از دوستان ما را ببینی برخیز و بر سر تلّ توبه شو. بیدار شدم، برف آمده بود آنجا رفتم خواص را دیدم مرتب نشسته و گرد بر گرد وی مقدار سپری سبز تهی از برف و با وجود آن همه برف که بر سر وی آمده بود در عرق غرق. گفتم این منزلت به چه یافتی؟ گفت به خدمت فقرا. (همان، 138).

سفارش به صبر بر بندگی: ابو اسمعیل عبدالله بن منصور محمد الانصاری الهروی، ملقب به شیخ الاسلام گفت که: ابو عبدالله رودباری گفت که از حسن بن محمد الرّازی شنیدم که گفت مرا سرما و گرسنگی دریافت، در خواب شدم هاتفی آواز داد که تو پنداری که عبادت همه نماز و روزه است؟ صبر احکام الله تعالی از نماز و روزه افضل است. (همان، 164).

اشاره به تولی: شیخ الاسلام گفت: ابوالحسن صایغ دینوری گوید که استاد من ابو جعفر صیدلانی گفته به اول ارادت مصطفی (ص) را به خواب دیدم نشسته و جمعی مشایخ بر گرد وی. ایشان در نگرست، در آسمان باز گشادند و فرشته ای فرود آمد، طشت و ابریقی در دست پیش یک یک می نهاد و دست می شستند چون به من رسید گفتند برگیرید که او نه از اینان است. ابریق دار طشت برداشت و برفت و من گفتم یا رسول الله من نه از ایشانم اما دانی که ایشان را دوست دارم مصطفی (ص) فرمود: کسی که ایشان را دوست دارد از اینان است. طشت باز آوردند تا من دست بشستم. ایشان در من نگرست و می خندید و فرمود ما را دوست داری با مائی. (همان، 167).

و نمونه های فراوان دیگر از این دست در تذکرها ما را با اهمیت رؤیا و پیام های اخلاقی و متحوّل کننده و انسان ساز آن بیشتر آشنا می سازد.

عارفان و بزرگانی که متأثر از رؤیا از مستی غفلت به هشپاری سلوک رسیده اند

1- در تذکره الاولیا، در شرح حال بشرین حافی آمده است که: وی به دنبال خوابی که یکی از بزرگان درباره او می بیند، متحوّل شده و شراب خواری و فسق را کنار گذاشته توبه می کند و از مردان و عارفان بزرگ می شود.

«ابتدای توبه او آن بود که شوریده روزگار بود، یک روز مست می رفت، کاغذی یافت بر آنجا نوشته بسم الله الرحمن الرحیم، عطری خرید و آن کاغذ را معطر کرد و به تعظیم، آن کاغذ را در خانه نهاد. بزرگی آن شب به خواب دید که گفتند: بشر را بگوی: «طیبت اسمنا فطیبتناک و تجلت اسمنا فتجلناک طهرت اسمنا فطهرناک فبعزتی لأطیبن اسمک فی الدنیا و الآخره» آن بزرگ گفت: مردی فاسق است مگر به غلط می بینم، طهارت کرد و نماز بگزارد و به خواب رفت، همین خواب دید، همچنین تا بار سوم، بامداد برخاست، وی را طلب کرد و او را در خانه ای در حال مستی و بی خبری یافت، گفت پیغامی به تو دارم، بشر

گفت: از که داری؟ گفت: پیغام خدای. بشر گفت: ای یاران مرا خواندند. رفتیم و شما را بدرود کردم که هرگز مرا در این کار نمی بینید". (عطّار، 1384: 139-140). از آن به بعد بشر طریق زهد در پیش گرفت و از شدت غلبه مشاهده حق تعالی هرگز کفش در پای نکرد و حافی از آن گفتند.

2- از دیگر شخصیت‌هایی که به دنبال تأثیر پذیری از آموزه‌های اخلاقی خواب و رؤیا قدم به عالم عرفان گذاشته‌اند می‌توان از عبدالرحمن جامی یاد کرد. جامی سال‌ها در سمرقند و هرات به استفاده و استفاضه اشتغال داشت تا اینکه در اثر خوابی که دید به سیر و سلوک در افتاد و پیروی مرشدانی چون سعدالدین محمد کاشغری نقشبندی و خواجه علی سمرقندی و قاضی زاده رومی را شعار خویش ساخت و در راه ریاضت گام نهاد و چندان به مقامات معنوی خویش افزود که به مرتبه ارشاد رسید و پس از وفات مرشدش سعدالدین محمد کاشغری که خلیفه نقشبندی بود جانشین او شد و بر مسند ارشاد تکیه زد و قطب پیروان طریقت گردید. (جامی، بی تا: 156).

3- ناصر خسرو قبادیانی بلخی نیز در سن چهل سالگی در سال (437ه. ق) خوابی می‌بیند که موجب دگرگونی و تحوّل شخصیت او می‌شود. این خواب را خود بدین کیفیت بیان می‌کند:

« ... پس از آن جا به جوزجانان شدم و قریب یک ماه ببودم و شراب پیوسته خوردمی پیغمبر می‌فرماید که: «قولوا الحق ولو علی انفسکم» شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفتی: چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از تو زایل کند؟ اگر به هوش باشی بهتر، من جواب گفتم که حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند، جواب داد که در بیخودی و بیهوشی راحتی نباشد، حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به بیهوشی رهنمون باشد بلکه چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید. گفتم: که این من از کجا آرم؟ گفت: جوینده یابنده باشد و پس سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت. چون از خواب بیدار شدم آن حال تمام بر یادم بود بر من کار کرد با خود گفتم که از خواب دوشین بیدار شدم اکنون باید که از خواب چهل ساله نیز بیدار شوم اندیشیدم که تا همه افعال و اعمال خود بدل نکنم فرج نیابم» در دیوان خود نیز اشاره به متنّبه شدن خود در سن چهل سالگی کرده است.

بیدار شو از خواب خوش ای خفته چهل سال

بنگر که ز یارانت نماندند کس ایدر

از خواب و خور انباز تو گشته ست بهائم آمیزش تو بیشترست انده کمتر

چیزی که ستورانت بدان با تو شریکند منت نهد بر تو بدان ایزد داور

(دیوان / 10-12)

ناصر خسرو پس از دیدن این خواب به مدت هفت سال به سفر پرداخت و این سفرها و زیارت خانه خدا اثرات بسزایی در تکمیل نفس و پرورش روح او به جا گذاشت؛ چنانکه پس از مراجعت از سفر با ناصر خسرو پیش از سفر بسیار متفاوت بود.

4- شیخ حافظ بهاءالدین عمر آبردهی گفته: شبی در واقعه‌ای دیدم که منزلی است بس رفیع و عمارتی عالی و در آن جا جماعت‌خانه‌ای در غایت روح و پاکی و در پیشان رواقی بود و در جماعت‌خانه، خلق بسیار و در رواق، جمعی از اکابر نشسته اند و مولانا شمس الدین خلیفه (که در نیشابور به ارشاد مشغول بود) بر کنار رواق نشسته و در میان جماعت‌خانه تاجی آویخته بودند و مولانا می‌گفت: این تاج بر سر هر کس که راست آید معنی ما حواله به وی است. هر کس می‌آمد و امتحان می‌کرد بر سر هیچکس راست نمی‌آمد و من در گوشه‌ای ایستاده بودم و نظاره می‌کردم ناگاه خدمت مولانا به من نظر کرد و گفت: فرزند تو نیز پیش آی، ناگاه دیدم که آن پرده که در پیشان رواق بود در حرکت آمده و از پس آن پرده شخصی با هیبت بیرون آمد و مرا در بر گرفت و در کنار شیخ اخی علی (که در ده ویرانی به ارشاد مشغول بود) نهاده و فرمود که بگیر این طفل را و شیر ده. از هیبت آن از خواب در آمدم و با خود گفتم که حواله به خدمت اخی علی شد. احرام ملازمت وی بستم. چون نظر بر من افتاد گفت حافظ برای شیر آمدی؟ دست بیعت به وی دادم و توبه کردم و تلقین گرفتم. (جامی، بی تا: 449-450).

5- شیخ نجیب الدین علی بزغش شیرازی (قدس الله تعالی روحه): وی از بدایت حال، محبت فقرا می‌ورزید و با ایشان می‌نشست و طعام‌های بی تکلف می‌خورد. یک شب در خواب دید که از روضه‌ی شیخ کبیر پیری بیرون آمد و در عقب وی شش پیر دیگر به یک راه می‌رفتند. آن پیر اول در روی وی تبسم کرد و دست وی بگرفت و به دست پیر آخرین داد و گفت این ودیعتی است که خدای تعالی نزد تو فرستاد. چون بیدار شد خواب را با پدر

گفت. پدر کسی پیش شیخ ابراهیم که در آن زمان از مجانین عقلا بود فرستاد در تعبیر آن خواب، چون شیخ ابراهیم آن را شنید گفت این نیست مگر خواب علی بزغش شیرازی. پیر اول شیخ کبیر است و پیران دیگر آنان که این طریقه را از وی گرفته اند و می باید که آن پیر آخرین زنده باشد که حواله‌ی تربیت وی به او کرده، می باید آن شیخ را طلب کند تا به مقصود رسد. بعد از پدر اجازت خواست که آن شیخ را طلب کند و در حجاز چون به شیخ شهاب الدین رسید وی را بشناخت که همان کس است که در خواب دیده بود و شیخ نیز بر حال وی اطلاع داشت. مضمون خواب وی را با وی بگفت و پیش شیخ ملازم شد و سال‌ها به سر برد و خرقة پوشید و در شیراز خانقاهی بنا کرد و به ارشاد طالبان مشغول گشت. (همان، 474-473).

6- ظهیرالدین عبدالرحمن بن علی بن بزغش (رحمه الله تعالی) در ایام حیات پدر خود (شیخ نجیب الدین علی بن بزغش) به حج رفت. شب عرفه در خواب دید که به روضه شریفه رسول (ص) آمد و سلام گفت. از حجره شریفه آواز آمد: و علیک السلام یا ابا النجاشی. پدر وی بر آن حال مطلع شد و اهل خود را از آن خواب خبر داد و بشارت داد ایشان را که مراد حاصل شد. بعد از آن خواب به جرگه عارفان پیوست و درس گفت و حدیث نوشت و روایت کرد و تصنیف کرد و از تصانیف وی یکی آن است که عوارف را ترجمه کرده و در آن جا تحقیقات صادر از کشف و الهام بسیار است. او از برکت آن خواب به مقامات بلند رسید و به کرامات ارجمند مشهور شد. (همان، 475-474).

7- امیر حسینی رحمه الله تعالی: نام وی حسین بن عالم بن ابی الحسین است. ایشان نیز به دنبال خوابی که بزرگی برای ایشان دید به جرگه عارفان پیوست و به مقامات عالی رسید و اهل هرات مرید وی شدند. گویند سبب توبه وی آن بود که روزی به شکار بیرون رفته بود، آهویی پیش وی رسید خواست تا تیری به وی بیفکند. آهوی به وی نگریست و گفت حسینی تیر بر ما می زنی خدای تعالی ترا برای معرفت و بندگی خود آفریده است نه از برای این و غایب شد. آتش طلب از نهاد وی شعله برآورد، از هرچه داشت بیرون آمد و با جماعتی جوالقیان همراه شد و به مولتان رفت. شیخ رکن الدین آن جماعت را ضیافت کرد و چون شب شد حضرت رسالت (ص) را به خواب دید که گفت فرزند مرا از میان این جماعت بیرون آور و به کار (معرفت) مشغول کن. روز دیگر شیخ رکن الدین به ایشان گفت

که در میان شما سید کیست؟ اشارت به امیر حسینی کردند. وی را از میان ایشان بیرون آورد و تربیت کرد تا به مقامات عالیه رسید. (همان، 605)

8- در کتاب میبدی و تفسیر کشف الاسرار آمده: پدر خواجه عبدالله انصاری به نام شیخ ابو محمد انصاری که یکی از استادان و مشایخ خواجه هم بود درباره فرزند خویش خوابی دیده بود و آن را با فرزند باز نمی گفت ولی هر روز تعبیر و تأثیر آن را در رشد و توانایی و استعداد و حافظه شگرف او می یافت و شاید به دلیل همین خواب، عبدالله کودک را روزهای جمعه به زیارت و دیدار پیران و مشایخ شهر می برد و در همین سالها بود که عبدالله فریفته شخصیت دو تن از مشایخ صوفیه فضیل عیاض و ابراهیم ادهم شده بود و پیوسته نام آن دو را بر زبان داشت و پدر به سبب خوابی که در او دیده بود گفت: چند گویی که فضیل عیاض و ابراهیم ادهم/ از تو فضیل آید و ابراهیم ادهم. (مرتضایی، 1389: 9).

فواید و کارکردهای خواب

فواید

1- افزایش قدرت پیش بینی انسان: یکی از نویسندگان قرن چهارم به نام «سیسنیوس سیرنی» می گوید: «رؤیاهایی که آینده را پیشگویی می کنند در واقع شاخصی برای پیشگویی آینده به دست می دهند». او همچنین می گوید: «من تعجب نمی کنم که بعضی کشف کردن گنجی را مدیون خواب خود هستند و یا کسی که در کمال بی سواد و نادانی به خواب رفته، در اثر مکالمه با خدایان یادگیری (خدایان یادگیری 9 خواهر هستند که فراگیری علم و هنر به ایشان منسوب می شده است). هنگامی که از خواب بر می خیزد به شاعر قابلی مبدل شده باشد.» او اضافه می کند: «خواب راه را برای کامل ترین بررسی های حقیقت به روی روان انسان باز می کند، خواب روان انسان را بیدار کرده از مرزهای طبیعت می گذراند و با دنیای عقل و دانش مجدداً متحد می سازد؛ دنیایی که منشأ و منبع اصلی روان ماست ولی به علت فاصله گرفتن زیاد، آن را از یاد برده ایم.

به لطف این ویژگی، پیشگویی به وسیله رؤیا برای همه ممکن است چون ساده و بی تصنع است، بیش از هر چیز معقول است، از روش های خشونت آمیز سود نمی جوید، مقدس است و بدین سان همیشه می توان آن را به کار برد. استفاده از این حالت ملکوتی

نیاز به رها کردن کارهای دیگر یا غفلت از زندگی ندارد چون جسم ما قادر نیست در برابر بیداری و شب زنده داری طولانی مقاومت کند خواه ناخواه در هنگامی که طبیعت برای آرامش و استراحت ما تخصیص داده است به خواب می‌رویم و همراه با خوابیدن به پدیده ثانوی دیگری (یاد گرفتن) که از خود خواب با ارزش‌تر است دست می‌یابیم. پدیده‌ای که باعث می‌شود فقط برای ادامه زندگی نخواهیم بلکه در خواب روش خوب زندگی کردن را نیز یاد بگیریم « (فروم، 1362 : 160-170) .

2- جسم بیشتر چیزهایی که در عالم بیداری توان انجام دادن‌شان را ندارد در رؤیا انجام می‌دهد و نیازهای خود را برطرف می‌کند. انسان، رغبت‌ها، هوس‌ها و تفکراتی دارد. در رؤیا با ساختن فیلم در این زمینه‌ها در پی ارضای نیازهای خود است. حتی بعضی از نیازهای جسمی خود را هم در رؤیا رفع می‌کند؛ اگر تشنه باشد آب، اگر گرسنه باشد غذا می‌بیند. آرزوی ترقی را با زنده کردن چیزهای مختلف در رؤیا به زبان می‌آورد. هیچ رابطه‌ای بین این رؤیا با رؤیاهای واقعی وجود ندارد و با نام رؤیاهای درهم شناخته می‌شوند.

3- ایجاد آرامش و تعادل سیستم عصبی

4- خواب در دسترس همه هست و مکاشفه‌ای است که می‌تواند در هر لحظه به عنوان مشاور بی‌سر و صدا و در عین حال مصون از خطا مورد استفاده قرار بگیرد . (فروم، 1372 : 174-173) .

5- رؤیاهای واقعی به منظور آگاهی دادن به شخص الهام می‌شود و آن شخص باید توبه کند و دعا بخواند و با نیایش و عبادت خداوند از گناہانی که مرتکب شده باز گردد و یا دقت بیشتری در مورد کارهای بدی که ممکن است انجام دهد داشته باشد. این نوع رؤیا از الطاف خداوندی است.

6- انسان‌هایی که روحشان به سوی تعالی و رؤیت زیبایی‌ها متمایل است، مواردی را که در عالم ماده و محدود قابل رؤیت نیست در رؤیا که جزئی از عالم معنوی است می‌توانند مشاهده کنند. عالم ماده مانعی است برای درک بعضی از مسائل معنوی. به همین دلیل انسان‌هایی که پایبند زیبایی‌ها و حقایق زندگی هستند بیشتر آرزوهای آن‌ها در عالم رؤیا به واقعیت می‌پیوندد. به جای دید مادی، دید معنوی آن‌ها روشن‌تر می‌شود.

7- « رؤیا ما را از خطراتی که تهدیدمان می‌کند آگاه می‌سازد تا بتوانیم خود را به حال آماده باش برای مقابله با آن‌ها در آوریم » (فروم، 1362 : 174) .

کارکردهای خواب و رؤیا

اما خواب همان طور که دارای فوایدی است کارکردهایی نیز بر آن مترتب است از جمله:
- در گذشته و در میان قبایل بدوی، خواب بزرگ‌ترین راهنمای سیاسی قبیله بوده و به عنوان ندای مونگو (mungu) یا خدا تلقی می‌شده است. خواب‌ها ندای موجود ناشناسی هستند که همیشه به ما اعلام خطر می‌کنند و ما را از دسیسه‌ها و خطرهای تازه و قربانی‌ها و جنگ و مزاحمت‌های دیگر آگاه می‌سازند. (یونگ، 1370 : 31) فروم می‌گوید: « حساب‌های پر از حزم و احتیاط و ترس همگی از طریق رؤیا به ما می‌رسد (فروم، 1362 : 174) .

- روانشناسان برای درمان بیماران خود از روش تحلیل خواب و رؤیای آن‌ها استفاده می‌کنند. کارل گوستاو یونگ ضمن اینکه خواب را کلید قفل روان انسان می‌داند ، می‌گوید: « مهم‌ترین ابزار فنی برای دستیابی به ضمیر ناخودآگاه افراد، تحلیل خواب آن‌هاست ». (یونگ، 1377 : 35 و 53)

- دستیابی به پاسخ مسائل و مشکلات، به وسیله خواب یا از طریق مکاشفه می‌باشد. در مثنوی آمده که: مسلمه مجریطی (= مادریدی) که از عالمان علوم غریبه قرون پیشین در اسپانیاست در کتاب غایه الحکیم خود توضیح می‌دهد که «به وسیله حالومیه می‌توان مطلوب خود را در خواب دید. حالومیه کلمات و اسامی مخصوصی است که اگر شخصی به هنگام خواب آن‌ها را با دقت و تمرکز کامل ادا کند مطلوب و مسئلت‌اش به صورت رؤیا بر او مکشوف می‌گردد » (مثنوی، 6 / 2428)

شیخ الاسلام ابو اسماعیل عبدالله بن محمد انصاری هروی گفت که: ابوبکر کتانی را شاگرد مصطفی (ص) می‌گفتند از بس که وی را به خواب دیدی معلوم بودی که کدام روز یا شب وی را در خواب خواهد دید ، از وی سؤال‌ها کردند وی آن سؤال‌ها از مصطفی (ص) بپرسیدی و جواب بشنیدی (جامی، بی . تا: 178) .

آموزه های اخلاقی خواب و رؤیا و تأثیر آن بر تحول شخصیت عرفا 113

همچنین در نفحات الانس در شرح حال عارف بزرگ مصری، ابوالعلی الکتائب المصری - رحمه الله - آمده: «وی گوید که هر گاه چیزی بر من مشکل شدی مصطفی (ص) را به خواب دیدمی و آن را بپرسیدمی. (همان، 204-203).

ابوالحارث الاولاسی رحمه الله (نام وی فیض بن الخضر است شاگرد ابراهیم سعد علوی است) گفته که آوازه ذوالنون شنیدم، به جهت مسئله‌ای چند عزیمت زیارت وی کردم، چون به مصر رسیدم گفتند وی دیروز از دنیا برفت، به سر قبر وی رفتم و نماز بر وی گزاردم و بنشستم، مرا خواب در ربود وی را به خواب دیدم آنچه مشکل داشتم از وی سؤال کردم، همه را جواب داد. (جامی، بی.تا: 44).

- ابلاغ پیام‌های مهم به افراد بزرگ و انسان‌های کامل را می‌توان از دیگر کارکردهای خواب دانست؛ مثل بشارت‌هایی که از طرف خداوند به مؤمنان داده می‌شود یا نبوت بعضی از پیامبران که در خواب به آنان عطا شده است. بشارت‌هایی که رؤیا از آینده به ما می‌دهد و از طریق حس انتظاری که در ما ایجاد می‌کند بر دوران لذت‌ها و خوشی‌های ما می‌افزاید. وعده های امید و آرزو که این قدر برای انسان عزیز است از طریق رؤیا به انسان می‌رسد. (فروم، 1362: 174).

ابن عباس نقل کرده که از آثار نبوت و پیامبری اولین چیزی که خدای متعال به پیامبر نشان داد آن بود که فرشته مقربی در خواب به آن حضرت گفت: ای محمد بشارت باد تو را که خدای تعالی از میان پیامبران تو را برگزید و آخرین پیامبر قرار داد و آیه «ولکن رسول الله و خاتم النبیین» (ولی او، پیامبر (ص) و فرستاده خدا و آخرین پیامبران است) (احزاب/40) به همین ویژگی اشاره دارد. و بعد از شب معراج خواب دیگری دید چنان که خدای متعال می‌فرماید: «لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام آمنین.» (همانا خداوند خواب پیامبرش را راست قرار داد که به مسجد الحرام با امنیت وارد می‌شوید.) (فتح، آیه 27).

- اطلاع یافتن از آینده و وقایع آن و همچنین اشراف بر ضمیر و باطن افراد از دیگر کارکردهای خواب و رؤیا است؛ چون به قول اریک فروم، «دانش انسان در هنگام رؤیا گاه بیشتر از هنگام بیداری است.» (فروم، 1362: 60) بسته به دانش و بصیرت صاحب رؤیا، قدرت پیش بینی او هم تقویت می‌شود. ابوالحسین بن سمعون رحمه الله علیه از مشایخ

بغداد بود. یکی از این طایفه گوید که در مجلس ابن سمعون بدم و یکی از این طایفه در پای منبر وی نشسته بود ناگاه خوابش در ربود، ابن سمعون از سخن باز ایستاد. چندان که بیدار شد پس ابن سمعون با وی گفت که رسول (ص) را بخواب دیدی؟ گفت: آری، گفت من هم از این سبب از سخن باز ایستادم تا خواب را بر تو نشورانم و آنچه در آن بودی بریده نشوی. (جامی، بی تا: 233).

- یونانی‌ها و هندی‌های قدیم، پیشگویی امراض را نیز از وظایف مهم خواب می‌دانستند. از نظر ایشان گروهی از سمبل‌های ثابت رؤیا دارای معنی مشخصی بوده، بدین منظور مورد استفاده قرار می‌گرفتند. آگاهی از تغییرات جسمی در متن رؤیای مردم قبل از ابتلا به کسالت جسمانی روشن می‌شود. (فروم، 1362: 150).

- همچنین رؤیا می‌تواند مظهري از قضاوت‌های ارزشمند و نیز اعمال عقلانی بالاتر و عالی‌تری نسبت به زمان بیداری باشد.

چنین حقیقتی را نمی‌توان چندان هم تعجب آور دانست چون برای تفکر صحیح احتیاج به چنان تمرکز حواسی داریم که در هنگام بیداری استفاده از آن برایمان مقدور نیست ولی در هنگام خواب می‌توان به چنین تمرکز کاملی دست یافت. بسیاری از افراد بوده‌اند که برای حل مسائل مختلف ریاضی، فلسفی، هندسی و ... مدت‌ها سعی و کوشش کرده‌اند و عاقبت در رؤیا، حل مشکل خود را با کمال وضوح دریافته و دیده‌اند. (همان، 60).

- خواب می‌تواند یک نیروی محرکه برای حرکت انسان به سوی تکامل و معرفت باشد. با مطالعه سرگذشت عرفا و مشایخ بزرگ عملکرد خواب و رؤیا را در این جهت می‌بینیم. یونگ می‌گوید: « ما با رؤیاهایمان به حرکت در می‌آییم، رؤیایمان ما را بیان می‌کنند و ما هم بیان‌شان می‌کنیم. انسان در طول زمان و در کشاکش حیات راه کمال می‌پوید و به تعالی می‌رسد» (یونگ، 1377: 13). عرفا این تعالی را در عالم خواب نیز به دست می‌آورند و راه تکامل را حتی در عالم خواب می‌پویند.

- خواب و رؤیا در بعضی موارد، شکل دهنده آینده بالقوه افراد است و همان طور که یونگ می‌گوید: « این آینده بالقوه در کیفیت تشکیل شخصیت انسان‌ها دخیل است و هدف‌ها و آرزوها و امیال انسان و تأثیر آن‌ها، در رفتار او بسیار اهمیت دارد ». (یونگ، 1377: 8) و در مورد بعضی از انبیا به طور صد در صد، خواب، آینده و شخصیت آینده آنها

را تعیین می‌کند؛ مثل خواب حضرت یوسف (ع) که از برکت آن خواب به جایگاه بسیار والایی دست پیدا کرد و در نهایت عزیز مصر شد.

- خواب حتی می‌تواند کارکرد اقتصادی نیز داشته باشد. در خوابی که فرعون مصر دید که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند، به زیبایی تأثیر اقتصادی آن در تعبیر حضرت یوسف و تدبیری که جهت جلوگیری از قحطی اندیشید نمایان است.

- اما مهم‌ترین کارکرد خواب که موضوع اصلی بحث ماست - همان گونه که گذشت - آموزش و تعلیم اخلاق (هر چند مبهم و رازآلود باشد) و متحوّل نمودن شخصیت انسان‌ها و تبدیل آن‌ها به شخصیت‌های برجسته و کامل می‌باشد؛ مثل خوابی که بشر حافی را متحوّل می‌کند یا خوابی که منجر به تحوّل ناصر خسرو می‌گردد و... .

نتیجه‌گیری

بررسی پدیده خواب و رؤیا و آموزه‌های نهفته در آن این نتیجه را به دست می‌دهد که خواب و رؤیا بر خلاف تصوّر عوام، دارای ارزش و کارایی است و بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان تأثیرگذار است. این ارزش و کارایی تا جایی است که در تحوّل شخصیت انسان و سیر او به سوی کمال نقش اساسی و بنیادین دارد. پدیده خواب و رؤیا در احادیث و نیز در سنت اسلامی یکی از مدارک غیبی شمرده شده و حدیث «رؤیای صالحه جزئی از چهل و شش جزء نبوت است» در سنت اسلامی رواج و مقبولیت عام دارد. مسئله رؤیا و تعبیر آن بارها در قرآن کریم (در سوره‌های فتح، صافات، اسراء، یوسف و...) و در متون عرفانی (کشف المحجوب، مرصادالعباد، رساله قشیریه، مصباح الهدایه و...) و در شعر و ادبیات فارسی (مثنوی، آثار عطار نیشابوری، و...) مطرح و تأثیرات مثبت آن بر تحوّل شخصیت‌ها در تذکره‌ها (از جمله: نفحات الانس و...) ذکر شده است. رؤیا از یک طرف در اساس، پدیده‌ای مذهبی است و انسان با هر رؤیا در حقیقت نقبی به معرفت واجب الوجود یا ضمیر ناخودآگاه خود می‌زند. به عبارت دیگر رؤیا یک سیر فقهقراپی به اعماق وجود است که روان‌شناس سوئیسی «یونگ» این سیر و بازگشت به عقب را برای تحوّل و تکامل شخصیت لازم می‌داند. از طرفی دیگر وحی پیامبر با رؤیا شروع می‌شده، لذا رؤیا نقطه آغازین وحی است. بنابراین به جرئت می‌توان گفت پدیده‌ای که می‌تواند نقطه آغازین و شروع پیام الهی (وحی) باشد، می‌تواند قویاً عامل تحوّل و مؤثر بر شخصیت انسان‌ها بوده و در کنار منابع دیگر (فطرت، عقل، حس، وحی) یک منبع مهم برای کسب معرفت و بینش الهی باشد.

کتاب نامه

قرآن مجید.

- ابراهیمیان آملی، سید یوسف. 1377. *آفتاب عرفان*. راهنمای موضوعی مثنوی. چاپ اول. آمل.
- افراسیاب پور، علی اکبر. 1380. *زیبایی پرستی در عرفان اسلامی*. چاپ اول. تهران: طهوری.
- الیاده، میرچا. 1362. *چشم اندازهای اسطوره*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- بهار، مهرداد. 1373. *جستاری چند در فرهنگ ایران*. چاپ اول. تهران: فکر روز.
- ____، ____، 1362. *پژوهشی در اساطیر ایران*. چاپ اول. تهران: توس.
- ____، ____، 1384. *از اسطوره تا تاریخ*. چاپ چهارم. تهران: چشمه
- مولوی، جلال الدین محمد. 1387. *مثنوی معنوی (6 دفتر)*. شرح کریم زمانی. چاپ اول. تهران: اطلاعات.
- پالمر، مایکل. 1385. *فروید، یونگ و دین*. ترجمه محمد دهگان پور. چاپ اول. تهران: رشد.
- تفلیسی، شیخ ابوالفضل حبیب بن ابراهیم. 1387. *کامل التعبير*. ابوالفضل موسوی گرمارودی. چاپ سوم. قم: دلیل ما.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. (بی تا). *نفحات الانس*. مهدی توحیدی پور. انتشارات کتابفروشی محمودی.
- چیتیک، ویلیام. 1384. *عواالم خیال ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان*. ترجمه قاسم کاکایی. چاپ اول. تهران: هرمس.
- دومزیل، ژرژ و دیگران. 1379. *جهان اسطوره شناسی*. ترجمه جلال ستاری. چاپ اول. تهران: مرکز.
- رازی، نجم الدین. 1376. *مرصاد العباد*. تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی روتون، ک.ک. 1378. *اسطوره*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. چاپ اول. تهران: مرکز.
- رجایی بخارایی، احمد علی. 1364. *فرهنگ اشعار حافظ*. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.

- _____ آموزه های اخلاقی خواب و رؤیا و تأثیر آن بر تحول شخصیت عرفا 117
- سهروردی، شیخ شهاب الدین. 1374. *عوارف المعارف*. ابو منصور بن عبد المومن اصفهانی. قاسم انصار. چاپ اول. تهران: علمی و فرهنگی
- ستاری، جلال. 1379. *جهان اسطوره شناسی*. چاپ اول. تهران: مرکز
- _____ ، _____ . 1381. *اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده*. چاپ اول. مرکز. سنایی، ابوالمجد مجدودبن آدم. 1368. *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*. تصحیح مدرس رضوی. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. 1375. *آن سوی حرف و صوت*. چاپ دوم. تهران: سخن
- عثمان، عبدالکریم. 1387. *روانشناسی از دیدگاه غزالی و دیگر اندیشمندان اسلامی*. محمد باقر حجتی. چاپ دوازدهم. تهران: فرهنگ اسلامی.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. 1386. *مصیبت نامه*. تصحیح محمدرضا شفیی کدکنی. چاپ دوم. تهران: سخن.
- _____ ، _____ . 1384. *تذکره الاولیا*. با مقدمه جواد سلماسی زاده. چاپ چهارم. تهران: در.
- _____ ، _____ . 1383. *منطق الطیر*. تصحیح محمدرضا شفیی کدکنی. چاپ اول. تهران: سخن.
- _____ ، _____ . 1387. *الهی نامه*. تصحیح محمدرضا شفیی کدکنی. چاپ دوم. تهران: سخن.
- _____ ، _____ . 1386. *اسرارنامه*. تصحیح محمدرضا شفیی کدکنی. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- فعالی، محمد تقی. 1387. *تجربه‌ی دینی و مکاشفه عرفانی*. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- فاضلی، قادر. 1374. *تحلیل افق اندیشه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*. چاپ اول. تهران: طلایه.
- فروزانفر، بدیع الزمان. 1353. *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار نیشابوری*. چاپ دوم. تهران: دهخدا.
- فروم، اریک. 1362. *زبان از یاد رفته*. ترجمه ابراهیم امانت. چاپ سوم. تهران: مروارید.

118 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. 1385. *رساله قشیریه*. بدیع الزمان فروزانفر. چاپ نهم. تهران: علمی و فرهنگی.
- کزآزی، میر جلال الدین. 1388. *رؤیا، حماسه، اسطوره*. چاپ پنجم. تهران: مرکز.
- کمبل، جوزف. 1377. *قدرت اسطوره*. ترجمه عباس مخبر. چاپ اول. تهران: مرکز.
- کاشانی، عزالدین محمود. 1376. *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*. چاپ پنجم. تهران: هما.
- مرتضایی، عزت الله. 1389. *میبدی و تفسیر کشف الاسرار*. تهران: خانه‌ی کتاب.
- میبدی، رشید الدین. 1361. *کشف الاسرار و عده الابرار*. چاپ چهارم. تهران: امیر کبیر.
- منور، محمد. 1381. *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید*. تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی. چاپ پنجم: تهران: آگاه.
- محقق، مهدی. 1388. *شرح سی قصیده ناصر خسرو*. چاپ دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نادری، محمد تقی. 1385. *تمرکز برای تقویت جسم و جان*. تهران: مؤسسه‌ی بشیر علم و ادب.
- نیکلسون، ر. ا. 1372. *عرفان عارفان مسلمان*. اسدالله آزاد. چاپ اول. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- _____، _____. 1358. *تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا*. ترجمه‌ی محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: توس.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. 1358. *کشف المحجوب*. چاپ اول. تهران: طهوری.
- یونگ، کارل گوستاو. 1377. *تحلیل رؤیا*. چاپ اول. تهران: افکار.
- _____، _____. 1370. *روانشناسی و دین*. فؤاد روحانی. چاپ سوم. تهران: امیر کبیر.